

تحلیل زیبایی‌شناختی چل سروها

معصومه ارشد^۱ فرهاد طهماسبی*^۲ رقیه صدرایی^۳

(دریافت: ۱۳۹۷/۸/۲ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳)

چکیده

چل سرو^۱ یا چهل سرود از جمله فال‌های بسیار متداول مردم لرستان است که آن را به صورت دسته‌جمعی اجرا می‌کنند. در هر تفأل، چهل بیت مد نظر است که بیت چهلیم، فال نیت شده را تفسیر می‌کند. در این مقاله بر اساس منابع کتابخانه‌ای، کارکرد زیبایی‌شناختی پانصد بیت از چهل سروده‌ها که به روش میدانی گردآوری شده، در دو بخش روساخت «آواها، واژگان، موسیقی و صورخیال» و ژرف‌ساخت «عاطفه، اندیشه و معنی» تجزیه و تحلیل شده است. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد در بخش روساخت «آواها»، حرکت توأم با موسیقی را گاه با آرامش و گاه با خشونت در ابیات می‌آفرینند. هم‌نشینی واژگان در تداعی عواطف و معنی شعر نقشی مؤثر دارد. در پاره‌ای از ابیات، وزن و قافیه ایراد دارد که قابل اغماض است. موسیقی درونی ابیات به ترتیب، مرهون آرایه‌های واج آرایی، واژه‌آرایی و جناس است و موسیقی معنوی نیز به ترتیب فراوانی، ناشی از مراعات نظیر، حسن تعلیل، اغراق و ... است. کنایه و سپس تشبیه در آفرینش صور خیال نقشی بسزا دارند. در بخش ژرف‌ساخت، از نظر عاطفی در فال‌های خوب، شور و هیجان توأم با شادی، ملموس است که در فال‌های بد، به یأس می‌انجامد. از نظر معنی، به ترتیب فراوانی، موضوعات عشق و دوستی؛ منابع طبیعی مانند کوه و درخت و ...؛

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

* Farhad.tahmasbi@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

اعتقادات مذهبی؛ و علائقی همچون شکار، دام‌پروری، کشاورزی و... در ابیات مشهود است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات عامیانه، زیبایی‌شناسی، لرستان، فال، چهل سرود.

۱. مقدمه

در منطقه لرستان و به‌ویژه در محدوده لک‌ها که شامل بخش عظیمی از شمال لرستان و بخش‌های همجوار است نوعی فال به نام چهل سرود - که در زبان محلی به نام فال چل سرو معروف است - رواج دارد که با وجود تحولات و اختراعات و ترقی علمی بشر همچنان مورد رجوع و باور حتمی مردم این محدوده و منطقه است و در بسیاری از موارد فصل‌الخطاب همه تصمیم‌گیری‌ها و برطرف‌کننده تردیدها و نگرانی‌هاست.

اساس این فال بر مضامین استعاره‌ای است که به‌عنوان تک بیت در میان مردم رواج دارد. در هر تفأل، چهل بیت مد نظر است که بیت چهلیم، فال نیت‌شده را تفسیر می‌کند. در لرستان نیز به واسطه دارا بودن تاریخی کهن، ادبیات شفاهی سهم بزرگی در فرهنگ این سرزمین دارد؛ ادبیاتی که با گذشت زمان در حال فراموشی است و متولیان امر نیز تاکنون برای حفظ و نگهداری آن هیچ اقدام چشمگیری انجام نداده‌اند؛ لذا انجام تحقیقی گسترده و همه‌جانبه در این باب ضروری به نظر می‌رسد.

اهدافی که در این پژوهش مورد نظر است، بدین شرح است:

- بررسی ادبیات عامیانه لرستان به‌منظور حفظ میراث کهن این مرز و بوم با تکیه بر ادبیات شفاهی.

- تبیین ابعاد زیبایی‌شناختی ادبیات عامه لرستان در قالب اشعار فال چهل سرود.

- تبیین و تصویر هویت فردی و اجتماعی اقوام لر و لک استان لرستان با تکیه بر ادبیات شفاهی ایشان.

- کمک به غنی‌سازی نقد ادبی در حوزه ادبیات عامیانه و به‌ویژه در منطقه لرستان.

پرسش اصلی پژوهش این است که آیا چهل سروده‌ها کارکرد زیبایی‌شناختی دارند؟ منظور از زیبایی‌شناختی چهل سروده‌ها در بخش روساخت، بررسی آواها، واژگان، موسیقی و صور خیال و در بخش ژرف‌ساخت بررسی عاطفه، اندیشه و معنی است که می‌تواند حاوی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و تاریخی و... باشد.

سه منبع مورد استفاده در این پژوهش عبارت‌اند از: کتاب‌های چل‌سرو تألیف علیمردان عسگری‌عالم (۱۳۸۹)، *فهلویات* تألیف علیمردان عسگری‌عالم (۱۳۸۲)، *سرودهای ماندگار* (۱۳۸۷): پژوهش و نگارش جهان‌شاه آزادبخت.

۲. پیشینه تحقیق

در رابطه با ادبیات عامیانه لرستان و به‌طور اخص، فال‌چهل‌سرود، پژوهشی اساسی و همه‌جانبه صورت نگرفته است. برخی از مهم‌ترین منابع مرتبط با چهل‌سروده‌ها عبارت‌اند از:

۱. فرهنگ مردم لرستان (۱۳۷۷) از سعید شادابی.
۲. فرهنگ قوم لر (۱۳۷۴) از عزت‌الله چنگایی و محمد حنیف
در این آثار نگارندگان به‌طور مختصر نحوه اجرای فال‌چهل‌سرود را بیان و نمونه‌هایی از ابیات آن را به فارسی روان بازگردانی کرده‌اند.
۳. فرهنگ عامه لرستان چل‌سرو، چهل‌سرود و چیستان (۱۳۸۹)، از علیمردان عسگری‌عالم. در این اثر نویسنده بسیاری از ابیات چهل‌سرود و نتیجه فال را بیان کرده است.
۴. فهلویات یا (پهلویانه‌ها) تکبیت‌های کهن سور و سوگ به زبان لکی (۱۳۸۲) از علیمردان عسگری‌عالم. نویسنده، تکبیت‌های چهل‌سرود را «پهلویانه» یا فهلویات دانسته و به‌طور مختصر به نمونه‌هایی از این ابیات پرداخته است.
۵. فال‌چهل‌سرود (۱۳۸۲) از علی رضایی و مسعود یوسفی. نویسندگان در این کتاب به مسئله فال‌گیری در منطقه لرستان پرداخته‌اند. مطالب کتاب، مخصوصاً شعر لکی، به‌صورت آهنگین است و در پایین هر صفحه، نتیجه فال بیان شده است.
از دیگر پژوهشگران، جهان‌شاه آزادبخت، نویسنده *سرودهای ماندگار* (۱۳۸۷)، کرم دوستی، نویسنده *مردم‌شناسی ادبیات لکی* (۱۳۹۳) علیمردان عسگری‌عالم، نویسنده *فرهنگ عامه لرستان* (۱۳۸۹) و ... را می‌توان نام برد که ابیات زیادی از تکبیتی‌های لکی شامل «مور» و «چل‌سرو» را که به‌صورت شفاهی در بین مردم رواج دارد، جمع‌آوری کرده‌اند.

همچنین در برخی از مقالات به این اشعار پرداخته شده است، از جمله:

۱. «تداوم سنتی کهن در میان اقوام ایرانی» (۱۳۸۳) از زهره حق‌شناس، مجله فرهنگ. در این مقاله نگارنده، چهل سرود را نوعی تفأل بومی و جلوه‌ای از ادبیات شفاهی کهن مردم لرستان ذکر کرده است.
 ۲. «چل سرو، سرود سرنوشت» (۱۳۷۴) از علی زیودار مجله شعر. نگارنده ضمن اشاره به نحوه اجرای فال چهل سرود، چهل بیت از معروف‌ترین ابیات آن را به همراه آوانگاری و ترجمه، ذکر کرده است.
 ۳. «جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان در تکبیتی‌های آنان» (۱۳۹۵) از محمدحسین‌خان محمدی و اکرم دولتی سیاب، مجله فرهنگ و ادبیات عامه. نویسندگان به ابیاتی از چهل سروده‌ها پرداخته‌اند که مضمون آن پوشش سنتی لک‌زبانان است.
- با توجه به اینکه موارد ذکر شده، اغلب گزارش‌گونه است و هر کدام از جنبه‌ای به موضوع پرداخته‌اند، در این مقاله با رویکردی متفاوت، جنبه زیبایی‌شناختی ابیات چهل سرود به صورتی گسترده در دو بخش روستا و ژرف‌ساخت تجزیه و تحلیل می‌شود که می‌تواند ابعاد فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و ... را در زندگی لک‌زبانان تبیین کند.

۳. چارچوب نظری پژوهش

در لرستان ادبیات عامیانه که بخشی از فرهنگ مردم است، با توجه به شرایط اقلیمی و «دو نوع گویش رایج در آن نخست لکی که از لحاظ کثرت و پیرایش واژه‌های غنی قابل توجه می‌باشد و خود شاخه‌ای وسیع از زبان عصر ساسانی است و دیگری لری...» (غضنفری، ۱۳۶۴: ۲) شامل موارد زیر است:

الف) موره و هوره، ب) چیستان، ج) لالایی، د) چریکه (بیت)، ه) فال چهل سرود، و- ضرب‌المثل، ز) ترانه محلی، ح) قصه و (نجف‌زاده قبادی، ۱۳۹۱: ۱۴).
از این موارد «فال چهل سرود»، موضوع بحث این مقاله است.

۴. چهل سروده‌ها یا سرودسرنوشت

در بین اشعار لک‌زبانان، تک‌بیتی‌های شادمانه‌ای با عنوان چهل سرود دیده می‌شود که در بین ساکنان این منطقه به فال «چل سرو» معروف است. ابیات فال چهل سرود/ چل سرو به بخشی از فرهنگ شفاهی مناطقی از زاگرس می‌پردازد. هنوز هم در بسیاری از مناطق زاگرس، این گونه فال رایج است و در شمار میراث مدنیت گذشته به‌شمار می‌آید (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۸۱). «ابیات فال «چل سرو» شاعر شناخته‌شده و همچنین تاریخ سرایش خاصی ندارند (عسکری‌عالم، ۱۳۸۹: ۷).

۴-۱. ساختار چهل سروده‌ها

اشعاری که در فال چل سرو سروده می‌شود به‌صورت تک‌بیت هستند. بنابراین، محور عمودی در آن‌ها وجود ندارد. اما از لحاظ محور افقی قابل بررسی‌اند و دو دسته‌اند: الف) دسته اول که بین دو مصراع ارتباط قوی وجود دارد؛ گاه دو مصراع یک جمله هستند و یا یک موضوع را بیان می‌کنند. گاه مصراع اول موضوعی را بیان و مصراع دوم چرایی آن را ذکر می‌کند. گاه نیز در مصراع اول مشبیه آورده می‌شود و مصراع دوم مشبیه را بیان می‌کند و یا به اشکال دیگری ارتباط بین دو مصراع تنگاتنگ است (مرادخانی، ۱۳۹۰: ۹). مانند ابیات زیر:

ار سر توپلکت بکیشنم و دار کوت کوتم بکن دی نارنمه هوار
? ar sartūlakat bekīšenem va dār kot kotem bekan dē nārenma hwār
برگردان: بر سر ستون سیاه چادرت مرا به دار بکشید. تکه تکه‌ام کنید و دیگر مرا پایین
نیاورید (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۷۶).

وحدت موضوع، ارتباط دو مصراع را محکم می‌کند.

توجه: برای مطالعه موارد دیگر در قسمت الف، به بخش موسیقی معنوی (حسن تعلیل) و صور خیال (تشبیه) رجوع شود.

ب) دسته دوم اشعاری هستند که در محور افقی نیز، ارتباط زیادی بین دو مصراع نیست. فقط به‌دلیل حفظ وزن یا جور کردن سخن، در مصراع اول سخنی گفته می‌شود و موضوع اصلی در مصراع دوم می‌آید:

چای آلو بالو، فره غلیظه دسگیرانه کم، فره عزیزه
čāy ? ālūbālū fera qaliza dasgīrānakam fera ? aziza

برگردان: چای آلبالو خیلی غلیظ است و نامزد من خیلی عزیز است (مرادخانی، ۱۳۹۰: ۹).

۲-۴. محتوای چهل سروده‌ها

اشعار چهل سرو به علت دربرداشتن مضامین فرهنگی، اجتماعی و تصویرگری‌های شاعرانه که در نهایت ایجاز ادا می‌شود و دربرداشتن روحیات و خلق و خوی افراد، ارزش بسیاری دارند. در لابه‌لای تکبیت‌های اشعار چهل سرود می‌توان به بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن قوم پی برد. زیارت بقاع متبرکه، فراق و هجران یار، اشاره به وقایع تاریخی، انواع معیشت، کوچ، بیلاق و قشلاق، طبیعت، باورها، بخت و اقبال و نظایر آن از جمله مهم‌ترین مضامین اجتماعی اشعار چهل سرو است (برای مطالعه برخی اشعار چهل سرو نک: زیودار، ۱۳۷۶: ۱۰۹-۱۱۶؛ اسدیان خرم‌آبادی و همکاران، ۱۳۵۸: ۱۸۹-۱۹۰).

۳-۴. نحوه فال گرفتن

برای گرفتن فال چل سرو، یک نفر از افراد حاضر نیت می‌کند و یکی دیگر از حضار چهل دانه از تسبیح را جدا و از دید دیگران پنهان می‌کند. سه دانه اول را به نام الله، محمد (ص) و علی (ع) به منظور تبرک فال، رد می‌کند و سپس فرمان شروع می‌دهد. افراد حاضر در مجلس، به ترتیب یک یا دو کلمه از سر بیت ابیات فال چهل سرود را بدون توجه به مفهوم آن، ذکر می‌کنند. مثلاً نفر اول می‌گوید: یا الله برسان ... نفر دوم ادامه می‌دهد: خدا خدام بی... نفر سوم می‌گوید: می‌می تو پیری ... و فردی که تسبیح در دست اوست، بازای گفتن هر سرود، یک دانه از چهل دانه تسبیح را جدا می‌کند تا به آخرین دانه برسد. زمانی که سرود چهلم نیز ادا شد، برای مثال اگر سر بیت چهلم «خدا لم شکری...» باشد، فردی که تسبیح را در دست دارد، تسبیح را بیرون می‌آورد و به دیگران نشان می‌دهد و با صدای بلند اعلام می‌کند: «خدا لم شکری»؛ یعنی اینکه فال همین است. آن که سر بیت چهلم را گفته، موظف است صرف نظر از بدی یا خوبی مضمون بیت، آن را به طور کامل بیان کند: «خدا لم شکری رسیم مطلوب/ دلم ساکت بی ز

پژاری شو» و پس از خواندن این بیت، قضاوت می‌کند که فال بد شده و یا خوب ... (چنگایی و حنیف، ۱۳۷۴: ۱۰۹-۱۱۰).

۵. تحلیل زیبایی‌شناختی چهل‌سروده‌ها

با توجه به اینکه شعر از شاخه‌های هنر است (محبوب، ۱۳۸۲: ۳۷). و زیبایی لازمۀ هنر، بنابراین می‌توان آن را از نظر زیبایی بررسی کرد؛ اما واقعیت این است که بسیاری از نظریه‌های زیبایی‌شناسی نسبی است و بر پایه ذوق و سلیقه استوار است.

در راستای ارزیابی دقیق‌تر شعر از منظر زیبایی‌شناسی، برخی از محققان معتقدند: می‌توانیم هر عنصری را در شعر فقط به این عنوان که آیا توانسته شعر را در رسیدن به هدف اصلی‌اش کمک کند، ارزیابی کنیم. همچنین می‌توانیم در مورد کل شعر از این نظر که آیا این عناصر دست به دست هم داده و یک مجموعه کامل را تشکیل داده‌اند یا نه، قضاوت کنیم (پرین، ۱۳۷۳: ۱۰۳).

کالریج^۳ نیز بر همین مبنا، زیبایی شعر را محصول زیبایی قسمت‌های گوناگون آن می‌داند و می‌گوید: «در شعر لذتی که از کل اثر می‌بریم با لذت حاصل از یکایک اجزای ترکیب سازگار و حتی ناشی از آن است» (دیجز، ۱۳۷۳: ۱۷۳). بنابراین، می‌توان گفت همان گونه که زیبایی حاصل از یک معماری، مجموعه زیبایی بخش‌های گوناگون آن است، زیبایی شعر هم حاصل زیبایی واحدهای ساختاری آن اعم از روساخت و ژرف‌ساخت است که در بخش روساخت شامل زبان، موسیقی و صور خیال و در بخش ژرف‌ساخت شامل عاطفه و اندیشه‌ای است که عاطفه را شکل می‌دهد و همچنین موضوع یا پیام یا آن در ادبیات کلاسیک با عنوان معنی شعر مطرح است (صهبا، ۱۳۸۴: ۹۳).

برای تحلیل زیبایی‌شناسی چهل‌سروده‌ها، به کمک نمونه‌گیری از هزار بیت که از سه منبع مهم گردآوری شده‌اند، کوشیده‌ایم مباحث را به صورت کمی و توصیفی ارائه دهیم. از هزار بیت مذکور، پانصد بیت از چهل‌سروده‌ها به صورت تصادفی (سیصد بیت از «سروده‌های ماندگار»، ۱۵۰ بیت از «چل‌سرو» و پنجاه بیت از «فهلویات») انتخاب و از نظر زیبایی‌شناسی مورد تجزیه و تحلیل شده است.

۵-۱. روساخت (زبان، موسیقی و صور خیال)

۵-۱-۱. زبان

زیبایی زبان را در بخش آوایی و واژگانی می‌توان بررسی کرد:

۵-۱-۱-۱. آواها

صاحب‌نظرانی که به وجود رابطه طبیعی میان آوا و مفهوم معتقدند، مدعی هستند که علاوه بر واژه‌ها، آواها (یا واجها) نیز در انتقال معنا و مفهوم نقش دارند؛ این ادعا به‌ویژه در زبان ادبی قابل توجه است.

«الکساندر پوپ^۴، شاعر و منتقد معروف انگلیسی، بر این عقیده است که در هر شعر صوت باید انعکاسی از معنی و ارتباطی با آن داشته باشد» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۷۲).

در کتاب *آناتومی شعر*^۵ درباره دلالت حروف بر مفاهیم چنین آمده است: مصوت‌های بلند بیش از مصوت‌های کوتاه بر آرامش و وقار دلالت دارند. مصوت‌های کوتاه حاکی از حرکت سریع و هیجان هستند. «ب» و «پ» بر صداهای انفجاری، سرعت، حرکت دلالت دارند. «م» و «ن» بر زمزمه، آواز، موسیقی حکایت می‌کند. «ل» بر مایع روان، جوی آب، استراحت، آرامش، سرخوشی دلالت دارد. «ک» و «گ» و «ج» حاکی از خشونت، درشتی و سختی، سر و صدا و برخورد است (ناگفته نماند که «خ» و بعد «غ» از دیگر حروف خشن‌تر هستند). «س» و «ش» بر صداهای هیس، فش، همچنین صداهای نرم و صاف و آرام بخش دلالت دارند. «ز» به بافت کلام خشونت می‌دهد ... «ت» و «د» همانند «ک» و «گ» هستند؛ اما با تأکیدی کمتر. «ر» بیشتر در بافت‌های دارای صدا و حرکت به کار می‌رود ... ضمناً دلالت صدای حروف بر صدای اشیا و مفاهیم خاص، حرف تازه ای نیست؛ بلکه از دیرباز مورد بحث بوده؛ علمای اسلامی از جمله ابوعلی سینا به بعضی از آن‌ها اشاره کرده‌اند (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۲۸).

جدول ۱: فراوانی آواها در پانصد بیت نمونه

حروف	تعداد بیت	درصد
مصوت‌های کوتاه	۳۳۶	۶۷,۲
م ، ن	۱۶۳	۳۲,۶
ر	۱۲۶	۲۵,۲

۲۳,۲	۱۱۶	مصوت‌های بلند
۱۶	۸۰	ک، گ، چ، خ، ز
۱۲,۸	۶۴	س، ش
۹	۴۵	ت، د
۶,۴	۳۲	ل
۳	۱۵	ب، پ

با توجه به یافته‌ها، در بیشتر ابیات، سرعت و حرکت و هیجان توأم با آواز و موسیقی دریافت می‌شود؛ هر چند آرامش و وقار نیز در این ابیات ملموس است و ابیاتی نیز سر و صدا و خشونت و درشتی و سختی را به ذهن القا می‌کنند.

۵-۱-۱-۲. واژگان

گزینش مناسب‌ترین واژه‌ها برای القای مفهوم و پیام، نقش بسیار مهمی در شعر دارد. «واژه‌ها با داشتن دلالت‌های گوناگون معنایی که از طریق مجاز، استعاره، نماد و ... پدید می‌آید، دارای توان‌های بالقوه‌ای هستند که ذهن توانمند شاعری می‌تواند آن‌ها را در سرایش خود به‌کار گیرد و از گرده آن‌ها به سود خود کار بکشد» (حسنلی، ۱۳۹۱: ۱۰۳). ارتباط واژه‌ها در تداعی معنی:

- ننی نمئری گوشت شکارم گول کشی بکم ارا کی بارم

Nanī nemærē gūšte šekārem kūlkašī bekam arā kī bārem

برگردان: وقتی دوست من «ننی» گوشت شکار من را نمی‌خورد، به چه امید بر دوش بکشم و برای چه کسی بیاورم؟ (عسکری‌عالم، ۱۳۸۹: ۴۹).

روساخت: صامت «ن» و «ش» و «م» صداهایی نرم و صاف و هماهنگ با معنی بیت تداعی می‌کند. گویی صامت «ن» در همان ابتدای بیت معنی «نه» منفی را به ذهن متبادر می‌کند که ناشی از یأس گوینده آن است و استفهام انکاری در بیت، این یأس و نومیدی را مضاعف می‌کند و تصویری غم‌انگیز را به زیبایی می‌آفریند.

واژه «ننی» اشاره به ناهید (الهه باروری و آب‌های روان در آیین میترائیسم) است (نجف‌زاده قبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). کلمات «گوشت، شکار، کول‌کشی (بر دوش کشیدن)» در کنار یکدیگر، تصویری زیبا از تلاش شکارچی عاشق می‌آفریند.

۵-۱-۲. موسیقی

در راستای چگونگی ایجاد توازن‌ها و تناسب‌ها، موسیقی شعر به انواع مختلفی تقسیم می‌شود. بعضی از انواع شناخته‌شده آن را شفيعی کدکنی چنین معرفی می‌کند: «موسیقی بیرونی (عروض)، موسیقی کناری (قافیه و ردیف)، موسیقی درونی (جناس‌ها و قافیه‌های میانی، و همخوانی مصوت‌ها و صامت‌ها) و موسیقی معنوی (انواع هماهنگی‌های معنوی درونی یک مصراع یا چند مصراع: تضاد، طباق، مراعات نظیر و ...)» (شفيعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۷۱).

جدول ۲: موسیقی بیرونی (وزن)

تعداد هجاها	مصراع دوم	مصراع اول
۱۰-۱۰	دَلِم ساکت بی ژ پزاره شو ---U U ----U	خدا لَم شكري رَسيم وَ مَطَلو -- UU ---- U-U
۱۰-۱۰	گاوتار طلا گاروم مرواری ----- U U-U-	ياران کی ديه دت وَ گایاری ---- U - U -----
۱۰-۱۰	شکار خومین وَ فرموده حق - U -- U -U U - U	آر بوین وَ لَق بچین وَ مولق -- U - U -- U U--
۱۰-۱۰	گرد خریوی نیشتیهِ رویمان -- U-U --- UU-	بو تا بچیمین وَ ملکِ خومان -- U- U -- U --

همه محققان شعر عامه اذعان دارند که وزن شعر عامه با وزن شعر رسمی فارسی متفاوت است؛ اما در این تفاوت، اختلاف نظر دارند؛ عده‌ای از محققان به عروضی بودن و برخی به هجایی بودن و دسته‌ای به تلفیقی از این دو اشاره کرده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۶: ۳۰۰).

تکبیت‌های لکی و در کل شعر لکی بر اساس وزن هجایی است و این درست زبانی است که هر لک‌زبان در گفتار و محاورات ساده روزمره از آن استفاده می‌کند. در

تمام مناطق لکنشین، با فاصله‌های جغرافیایی و زمانی دور و نزدیک، همگی در این وزن شعر سروده‌اند که می‌توان با گوش آن را «فع‌لن فعولن، فع‌لن فعولن» به حساب آورد. هر چند در این وزن (هجایی) اگر حرفی یا حروفی در ارکان اضافه بیاید، اشکال ندارد (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۳۴).

با توجه به نمونه‌های مورد بررسی در این پژوهش، هر چند در گوش‌نوازی، وزن عروضی تمام ابیات، «مستفع‌لن فع، مستفع‌لن فع» یا «فع‌لن فعولن، فع‌لن فعولن» بحر متقارب مثنی‌اثلیم به نظر می‌رسد؛ ولی در تقطیع هجایی ابیات، وزن مذکور حاصل نمی‌شود؛ ولی تعداد هجاها در دو مصراع برابر است. بنابراین، می‌توان گفت وزن چهل سروده‌ها، هجایی است، نه عروضی.

۵-۱-۲-۲. موسیقی کناری

در اشعار عامه، قافیه قواعد و قوانین آزادمنشانه خود را دارد (احمدپناهی سمنانی، ۱۳۸۳: ۱۴۰) و بسیاری از ایرادهای قافیه در شعر رسمی چون اقوا، اکفا، سناد و ایطا (ماهیار، ۱۳۸۷: ۲۸۷)، از اصول پذیرفته‌دانش قافیه در اشعار عامه است؛ زیرا «اساس قافیه بر نزدیکی تلفظ حروف است؛ نه بر یکسان بودن حرف روی که در شعر کلاسیک فارسی و عربی اصل است» (کمرپشتی، ۱۳۹۰: ۴۷۷-۴۸۵). لذا در چهل سروده‌ها نیز، قافیه شدن کلمات، بر اساس بُعد شنیداری است نه نوشتاری:

گنم گرمسیر هر گلی جایب بوشه دوسکم شو نوسی بایی

قافیه: «جایی، بایی».

«جایی»: جایب است، ترکیب: مسند (اسم)+ فعل؛ «بایی»: بیاید: از نوع فعل و مضارع التزامی است.

ی مال کیه آر دم ای ریه ی مال فلونی صای هزار میه

واژه‌های قافیه: «ریه، میه».

حروف قافیه: «ری»: راه: اسم؛ «می»: گوسفند: اسم.

-قافیه شدن کلماتی که حرف روی در آنها با تلفظ یکسان و املائی متفاوت است:

یا بابای بزورگ گمه و بارگه خاص زیارتچی فره مطلوبدار بشناس

قافیه: «خاص: صفت»، «بشناس: فعل امر».

ردیف: در ۷۳ بیت (۱۴,۶ درصد) از پانصد بیت، ردیف وجود دارد:

تیا داری بیم کنی و پام بی گل نازاران و زیر سام بی

واژه‌های قافیه: «پام، سام»، حروف قافیه: «پا: اسم»، «سا: سایه: اسم»، ردیف: «بی»:

بود: فعل.

- ناهمسانی مصوت‌ها در کلمات قافیه:

خُداَتِ بَینِ دِه دنیاتِ دِلِ بو پرچینت میخک، بازارت گُلِ بو

قافیه: «دِل: اسم، گُل: اسم»، ردیف: «بو»: باشد: فعل.

۵-۱-۲-۳. موسیقی درونی

همخوانی صامت‌ها و مصوت‌ها، به صورت «واج‌آرایی»، «واژه‌آرایی» و «جناس»، در

ابیات قابل بررسی است.

جدول ۳: موسیقی درونی (در پانصد بیت نمونه)

نوع آرایه	تعداد بیت	درصد فراوانی
واج‌آرایی	۴۱۵	۸۳
واژه‌آرایی	۱۲۳	۲۴,۶
جناس	۵۷	۱۱,۴

الف) واج‌آرایی و واژه‌آرایی

در پانصد بیت نمونه، ۴۱۵ بیت (۸۳ درصد)، «واج‌آرایی» دارند که در نوع خود،

قابل توجه است و نیز ۱۲۳ بیت (۲۴,۶ درصد) تکرار واژه (واژه‌آرایی) دارند.

نمونه‌ای از ابیات که هر دو آرایه را توأم دارند:

دَم قَن دِنون قَن، گِشت گِیونت قَنه هالو قَن فروش، قَن مَنی چَنه

Dam qan denon qan gešt gēonet qana/ hālū qanferūš qan manē čana

برگردان: دهانت چون قند، شیرین(شیرین‌زبان) و دندان‌ها چون قند سفید و همه

وجودت شیرین و متناسب است. دایی قندفروش! یک من قند را چند می‌فروشی؟

(آزادبخت، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

تحلیل زیبایی‌شناختی چل سروها _____ معصومه ارشد و همکاران

در این بیت، که آرایه «تشبیه» و «تناسب» را به زیبایی نشان می‌دهد: واژه «قن (قند)» ۵ بار و مصوت‌های «َ» ۱۰، «ِ» ۵ بار و صامت‌های «ن» ۱۰، «ق» ۵ بار تکرار شده است.

ب) جناس

در پانصد بیت نمونه، ۵۷ بیت (۱۱,۴ درصد) آرایه جناس دارند:

جفتی گُوش کیش، کار گهواره دته تو ارکیش بی لَنج و لاره
برگردان: جفتی کفش پاشنه‌دار، ساخت منطقه موسوم به «گهواره» است. دختر خانم!
بدون لجاجت و اخم و تخم آن‌ها را بپوش (همان، ۶۱).
واژه‌های «گُوش، کیش» و «کیش، ارکیش» به ترتیب جناس اختلافی و افزایشی دارند.

۵-۲-۴. موسیقی معنوی

کاربرد صنایعی چون مراعات نظیر و تضاد و طباق ... باعث آفرینش موسیقی معنوی می‌شود. کاربرد این صنایع ادبی در چهل سروده‌ها، در هم تنیده است و چه بسا یک بیت صنایع مختلف ادبی داشته باشد. برای سنجش دقیق‌تر، میزان فراوانی این صنایع به صورت انفرادی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است:

جدول ۴: موسیقی معنوی (در پانصد بیت)

نوع آرایه	تعداد بیت	درصد فراوانی
مراعات نظیر	۳۳۶	۶۷,۲
حسن تعلیل	۱۵۶	۳۱,۲
اغراق	۵۴	۱۰,۸
تضاد	۵۰	۱۰
تلمیح	۱۱	۲,۲
حسن آمیزی	۹	۱,۸

با توجه به جدول ۴، آرایه مراعات نظیر یا تناسب بیشترین فراوانی را در ابیات دارد و این حاکی از تسلط سراینندگان ابیات به کاربرد کلمات متناسب با هم، در یک بیت است.

الف) مراعات نظیر (تناسب)

گوش و گوشواره، مل و توروه درپا اوریشم، گلنگ شوروه
Gūš ō gūšvāra meļ va tūra va/darpā ? ōrēšem goļaņ šūra va
برگردان: یار بر گوش هایش گوشواره و بر گردنش تور آویخته است. و منگوله‌هایی
بر دم پای شلوار ابریشمینش، آویزان است (همان، ۸۶).
در این بیت، کلمات «گوش، گوشواره»، «تور، مل (گردن)»، «مل، گوش، پا»، «تور،
اوریشم (ابریشم)» با هم مراعات نظیر دارند.

ب) حسن تعلیل

(بیان علت به زیبایی)، بعد از تناسب، بیشترین درصد فراوانی را دارد.
کور گن گن بای باینه هوماری ولا دوس مچم و سر سؤاری
Kavar gen gen bāy bāyna homārī/va lā dūs mačem va sarsūārī
برگردان: ای کبیر کوه قطعه قطعه شوی، هموار گردی، تا من به آسانی نزد دوستم
بروم (عسکری عالم، ۱۳۸۹: ۱۲۶).

ج) اغراق

کراسیت چیتیه، چیت گلداره سیصد کشتیه، پونصد بیماره
Kerāset čīta čīte goļdāra/sēsad koštēe ponsad bīmāra
برگردان: پیراهنت از پارچه چیت گل دار است. سیصد نفر به خاطر آن کشته شده،
پانصد نفر نیز بیمار است (همان، ۱۰۹).

د) تضاد

و برزی گنم و نرمی گیاه بریونم کردت سوزه چاو سیاه

تحلیل زیبایی‌شناختی چل سروها _____ معصومه ارشد و همکاران

Va barzī ganem va nezmī gēā/beryonem kerdet sōza čāw sēā

برگردان: سوگند به بلندی و قداست گندم و به کوتاهی و ارزش گیاه (تأثیر آن‌ها در زندگی بشر)، ای سبزه‌روی سیاه‌چشم مرا کباب کردی! (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۶۴).
تضاد: «بلندی، کوتاهی».

ه) متناقض‌نما

کلی ژ کلان مگست مزگونی میرشکار مردییه و نوجوانی

Kalē ža kalān magest mezonī/mīršekār merdēya va nōjūānī

برگردان: کلی از کلان کوهی مژدگانی می‌خواست که میرشکار در نوجوانی مرده است (نجف‌زاده قبادی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).
در این بیت، مژدگانی خواستن در مرگ میرشکار، آرایه متناقض‌نما را خلق کرده است.

و) تلمیح

یا بابای‌هاننا، یا شای دالاهو یا امام رضا^(ع) ضامن آهو

Yā bābāy hānā yā šāy dālāhū/ yā emām rezā zāmene āhū

در این بیت: «ضامن آهو» آرایه تلمیح دارد (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

ز) حس آمیزی

دوس اول خاص ایسه میل سردم ژه من یاخی بین و حرف مردم

Dūse aval xās īsa mēlsardem/Īēm yāxī bīya va harfe mardem

برگردان: دوست من که اول با من مهر و محبتی داشتی، حالا از من بریده‌ای با حرف مردم (عسکری‌عالم، ۱۳۸۹: ۱۱۳).
«میل سرد» علاوه بر اینکه کنایه از بی‌علاقگی است، «حس آمیزی» نیز دارد.

ح) صورخیال

خیال عبارت است از کوششی که ذهن هنرمند در کشف روابط پنهانی اشیا دارد. به تعبیر دیگر تخیل نیرویی است که به شاعر امکان می‌دهد که میان مفاهیم و اشیا ارتباط برقرار کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۹). تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه، از اقسام صور خیال است که شاعران با بهره‌بردن از آنها به سحرآفرینی می‌پردازند.

جدول ۵: صور خیال (در پانصد بیت)

صور خیال	تعداد بیت	درصد فراوانی
کنایه	۱۴۴	۲۸٫۸
تشبیه	۱۱۶	۲۳٫۲
استعاره	۶۵	۱۳
مجاز	۱۷	۳٫۴

ط) کنایه

کنایات در چل سروها از نوع ایماء هستند و ربط بین معنی اول و دوم، آشکار است:

یاران بنیشیم بکیم درد دل هر کی یار نیری بنیشی ! گیل
 Yārān benīšīm bekeym darde del/ har kē yār nērē benīšē ? ě geĭ
 برگردان: یاران بیایید دور هم بنشینیم و درد دل کنیم و هر که از جمع ما یار ندارد،
 در گیل بنشیند (عسکری‌عالم، ۱۳۸۲: ۱۵۹).
 «در گل نشستن»، کنایه از بدبخت شدن است.

ی) تشبیه

در تشبیهات، مشبه و مشبه‌به حسی است و از اموری است که شاعر خود، آن‌ها را لمس کرده است:

فدای بالات بام چو تویل چمیاینه چو گیای وهار تازه دمیاینه
 Fedāy bālāt bām čü tüĭ čamyāyna/ čü gēāy vehār tāza damyāyna
 برگردان: فدای قد و بالای رعنایت شوم که چون نهالی خم شده و چون گیاه
 نورسته در بهار است (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۳۸).

ک) استعاره

بیشتر استعارات از نوع مصرحه است؛ یعنی استعاره‌ای که صراحت دارد یا تشبیهی است که از آن فقط مشبه به باقی مانده است.

شو له مونگ کیشا و سر کلاؤان مری لیلی بی مچیا و باؤان

šweļa moĵ kīšā va sar kelāwān/ marī Īeļī bī mačyā va bāwān

برگردان: شعله (نور) ماه طلوع کرده و بر روی تپه‌ها روشنایی پدیدار است.، گویی ماه‌رخ به سوی خاندان پدریش می‌رفت (همان، ۱۰۲).
در این بیت «شعله» علاوه بر اینکه مجاز از نور است، استعاره از چهره معشوق است.

ل) مجاز

دوس عزیزم سرت سلامت نومنه من و تو کت ایامت
Dūse azīzem saret selāmat/ noma menō tō kat eē qēyāmat
برگردان: یار عزیزم! همیشه در صحت و سلامت باشی؛ ارتباط بین من و تو تا روز قیامت قطع شد (همان، ۵۳).
سرت سلامت: «سر» مجاز از کل وجود است.

۲-۵. ژرف‌ساخت (عاطفه، اندیشه، معنی)

۱-۲-۵. عاطفه

حالت‌های مختلف غم و شادی و بیم و امید و ترس و حیرتی است که شاعر به کمک لفظ و آهنگ آن را نشان می‌دهد. کروچه آن را ماده خام یا اولیه‌ای می‌داند که هنرمند آن را به کمک آفرینش هنری تعدیل می‌کند و به شکل خیال و تصویر و نه به صورت ناله و آه ارائه می‌دهد (غریب، ۱۳۷۸: ۱۲۱، ۱۰۳؛ صها، ۱۳۸۴: ۱۰۳).

۲-۲-۵. اندیشه

اندیشه نوع نگرش به عالم هستی و تکیه‌گاه عاطفه است. «هر شعری در هر قالبی و هر شیوه‌ای در بردارنده اندیشه و تفکری خاص است که ناشی از فرهنگ اعتقادی و باورهای فردی و اجتماعی شاعر و تأثیرپذیری‌های او از جامعه پیرامون و خصائص اقلیمی خود می‌باشد» (روزبه، ۱۳۷۰: ۴۶).

با توجه به اینکه وزن تک‌بیتی‌های چهل سرود، دوری است، در بیشتر ابیات شور و هیجان خاصی ملموس است که با توجه به آواها و واژگان و ترکیب آن‌ها و اندیشه

تحلیل زیبایی‌شناختی چل سروها _____ معصومه ارشد و همکاران

حاکم بر بیت، این شور و هیجان در فال‌های خوب، توأم با شادی و نشاط و شعفر است:

هر صو و شفق بانک خوروسان شورِ تلمیت بار تازه‌عروسان
Har sō va šafaq bānke xwerūsān/šowřē talmīt bār tāza ? arūsān
برگردان: هر صبح زود، هنگام خروس‌خوان، صدای پای مرکب آراسته تازه‌عروسان
به گوش می‌رسد (عسکری‌عالم، ۱۳۸۲: ۱۴۵).
اندیشه حاکم بر بیت، سحرخیز بودن کوچ‌نشینان، حتی تازه‌عروسان و نیز زمان کوچ
کردن از یک منزل به منزل دیگر است.

و در فال‌های میانه، این شور و هیجان، هاله‌ای از بیم و امید به خود می‌گیرد:
یا بابای بزرگ بزرگ پیرون برس و دای یتیم یسیون
Yā bābāy bezerg bezerge pīron/beras va dāye yařīm yařiron
برگردان: ای بابا بزرگ، بزرگ پیران، به داد محرومان از نعمت پدر و مادر برس
(نجف زاده قبادی، ۱۳۹۱: ۹۸).

اندیشه حاکم بر آن ناشی از اعتقادات مذهبی مردم لرستان به برآورده شدن حاجات
در توسل به بزرگان دین است.

در فال‌های بد، یأس و ناامیدی بر این شور و هیجان غالب است:
آردوس بزونی مه حالم چونه نه زلف میلی نه خال و سینه
? ar dūs bezonē me hālem čūna / na zelfa mēřē na xāl va sēna
برگردان: اگر محبوبم بداند که حال من بد است، تمام موهای سر و خال‌های
سینه‌اش را می‌کند (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۴۲).
می‌توان گفت این بیت اشاره‌ای نیز به رسم کندن زلف و خراشیدن صورت در
سوگ عزیزان از دست رفته دارد.

۵-۲-۳. معنی

صورت زیبای شعر همچون جامه زیبا و دلربایی است که بایسته است صنم زیبای
معنی را در بر بگیرد یا مانند صدف زیبایی است که اگر تهی از گوهرهای گران‌بها
باشد ارزشی ندارد.

ابیات چهل سرود که با اغراضی چون سرگرمی، امیدبخشی به مخاطبان و کاستن از بار رنج‌ها و سختی‌ها به کار می‌روند، از نظر محتوا، بیانگر احساسات و عواطف و اندیشه‌های سرایندگان آن هستند و رنگ و بوی محلی گرفته‌اند و با نوع معیشت و شرایط محیطی و اقلیمی آن پیوستگی و تناسب کامل دارند. بنابراین، از نظر محتوا مضامینی چون عشق و دوستی، طبیعت و جلوه‌های متنوع آن، ملزومات زندگی روستایی و عشایری مانند: کشاورزی، دام‌پروری، شکار و کوچ‌نشینی در کنار باورها و اعتقادات مذهبی و ... در این ابیات، به زیبایی به تصویر کشیده شده‌اند.

جدول ۶: محتوای چهل سروده‌ها، به ترتیب فراوانی

موضوع	تعداد بیت	درصد فراوانی
عشق و دوستی	۲۶۷	۵۳,۴
طبیعت (گلها، گیاهان، درختان، کوه، چشمه، رود، باد، باران، ماه، خورشید، حیوانات وحشی و...)	۱۹۹	۳۹,۸
ملزومات زندگی روستایی و عشایری		
کشاورزی	۵۴	۱۰,۸
شکار و اسلحه	۵۰	۱۰
دام‌پروری	۲۸	۵,۶
کوچ‌نشینی	۲۲	۴,۴
جمع	۱۵۴	۳۰,۸
سایر موارد		
اعتقادی	۶۴	۱۲,۸
مکان‌ها	۵۴	۱۰,۸
مشاغل	۱۶	۳,۲
متفرقه	۲۱۱	۴۲,۲

۵-۲-۳-۱. عشق و دوستی

با توجه به جدول ۶، ابیاتی که محتوای عشق و دوستی دارند، بیشترین درصد فراوانی را دارند:

وَ سا چترکت، ساتی بگم خاو شا جنم جام بو نیه نُوای او
Va sā čtrakat sātē bekam xāw/ šā janem jām bū nīya noāy ? āw
برگردان: در سایه‌سار زلفت ساعتی خواهم آرمد. شاید سرای آخرتم جهنم باشد
(بگذار جزای این کارم آتش دوزخ باشد) هر چه بادا باد (همان، ۱۴۰).
این بیت حکایت از عاشقی دل‌باخته دارد که به بهای ساعتی با معشوق بودن، آتش
جهنم را به جان می‌خرد. از مضمون بیت، اعتقاد به سرای آخرت و مکافات عمل حرام
دریافت می‌شود.

دوسی چه خاصه ژ هر دک سر بو نه مه بسیم او بی خور بوم
Dūsi če xāsa ža har dek sar bū / na me besezem ? ō bēxavar bū
برگردان: دوستی (رابطهٔ دوستانه) خوب است از هر دو سر (دو طرفه) باشد، نه اینکه
من بسوزم و او بی‌خبر باشد (عسکری‌عالم، ۱۳۸۹: ۲۵۷).

۵-۲-۳-۲. طبیعت: باران و چشمه

خُدا خُدام بی وارون بـواری سوزه بالابرز او ای جو باری
xwdā xwdām bī vāron bwārē/sözē bālā barz ? āw ? ě jū bārē
برگردان: از خدا خواستم باران ببارد تا سبزهٔ بلندبالا از چشمه آب بیاورد (تا من او
را ببینم).

۵-۳-۳-۲. ملزومات زندگی روستایی و عشایری

الف) کشاورزی

حـالو جفتیار جفتت و دل بو تویمت رازیونه، خرمونت گل بو
hālū jeftyār jeftet va deġ bū/twēmet rāzyona xarmonet gwl bū
برگردان: دایی شخم‌زن! زمینی که شخم می‌زنی دلپسندت باشد، بذرت رازیانه و
محصول خرمونت از گل باشد (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۱۴۱).
جفت (جفت گاو): زمینی است که یک جفت ورزا (گاو زراعت)، و در مدتی از
زمان آن را شخم می‌زند (اسدیان خرم‌آبادی و همکاران، ۱۳۵۸: ۸۷).

ب) شکار و اسلحه

کلی کشتیه، هشت و پا و نه سر چویر خوران کله کور گه
Kalē kwštēa haštō pāō nō/sar čōīr xwrān kalē köer kö
برگردان: (دلدار) نر بز کوهی هشت الی نه ساله‌ای را شکار کرده که گل‌های
خوشبوی بوته چویر (چویل) را بر نوک قلعه کورکوه خورده است (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۵۶).
کل نه سال یعنی شکاری که گوشت زیاد دارد و از سوی دیگر تجربه زیادی در
برخورد با شکارچی‌ها دارد و بسیار هوشیار و شکار آن سخت است. شکارچی آن در
حرفه شکار تبحر دارد.

برنو کُلگت، آر سَر رونت گلم نیم کیش که آر دشمنونت
Bernō kōlakat ar sare ronet/ geļam nīm kēš kē ar dōšmanonet
برگردان: سلاح برنو کوتاهت را بر روی رانت بگذار؛ هوشیارانه گلن‌گدن آن را به
سوی دشمنانت نیمه‌آماده کن (آماده شلیک باش) (همان، ۴۹).
این سروده به دو مطلب اشاره دارد: ۱. آمادگی همیشگی عشایر برای مقابله با دزد،
جنگ‌های ایلی، حیوانات وحشی و ...، ۲-علاقه شدید آن‌ها به اسلحه و احساس امنیت
کردن در کنار آن.

ج) دام‌پروری

ارزش اسب:

خداته بین دی دو گل ز وهار اول اسب زین دؤئم ژن مال
xwdāta bēn dē dō gwl ža vehār/? aval asbe zīn dōem žane māl
برگردان: خداوند دو گل بهاری نصیبت کند؛ نخست اسب دارای زین و یراق و دوم
کدبانویی خانه‌دار (همان، ۷۳).
در این بیت، ارزش اسب حتی نسبت به زن شایسته اولویت دارد.
ی مال کیه آر دم ای رییه ی مال فلونی صای هزار میه
Ya māle kēya ar dam ? ē rēya/ya māl feļonī sāy hezār mēya
برگردان: آن خانه کیست بر سر راهمان؟! آن خانه فلانی است که صاحب هزار
گوسفند است.

د) کوچ نشینی

کُرل صو باره، مینگمون گُوه هر جای دُوس بوشی هر وره خُوه

Kwrayl sō bāra mīḡamon kūa/har jāy dūs būšē har vera xūa

برگردان: ای پسران جوان، فردا روز کوچ است. منزلگاه نو کجاست؟ هر مکانی که دوست بگویند، همان جا خوب است (عسکری‌عالم، ۱۳۸۲: ۱۷۵).
این بیت، پیش‌بینی‌ها و احتیاط‌های لازم را در حرکت و کوچ ایل بیان می‌کند.

۴-۳-۲-۵. سایر موارد

الف) اعتقادات مذهبی

آر دوس منی، حرفت و راسه خدا یکیکه دوس یکی خاصه

Ar dūse menī harfet va rāsa/xwdā yakēka dūs yakē xāsa

برگردان: اگر دوست منی و پایبند حرفت هستی، در دوستی یگانه باش؛ چون خدا یکی است و دوست هم یکی خوب است (همان، ۲۰۰).
توسل به حضرت علی (ع) در بسیاری از ابیات وجود دارد:

یا علی‌هانای، فرد فریادرس برسین و داد کسایل بی‌کس

Yā aī hānāy fārde faryādras/ berasīn va dāde kasayīe bēkas

برگردان: یا علی (ع) به درگاه تو التجا می‌کنم. ای فریادرس! به داد افراد بی‌کس برس (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۱۰۲).

ب) مکان‌ها و روابط اجتماعی

ری کی کرماشو بتیشن و چو آرا براکم هر بای هر بچو

Rēyakē kermāšo betēšen va čū / arā berakam har bāy har bečū

برگردان: جاده کرمانشاه را برای برادرم از چوب بسازید که هر وقت خواست بیاید و برود (عسکری‌عالم، ۱۳۸۲: ۱۴۲).

اشاره به شهر «کرمانشاه» دلیل محکمی است بر این نکته که سراینندگان ابیات چهل سرود در لرستان، لک‌زبانان بوده‌اند که در شمال این استان و همجوار با کرمانشاه می‌زیسته و با وجود بُعد مسافت و مشکلات راه، به آن جا رفت‌وآمد داشته‌اند.

ج) مشاغل شهری

جفتی گوشواره طلام سنی یه یه لنگه و لای زرگر منی یه

Jeftē gūšvāra telām sanē ya/ ye Īeṇa va Īāy zargar manē ya

برگردان: یک جفت گوشواره طلا خریده‌ام؛ اما یک لنگه آن نزد زرگر مانده است (عسکری‌عالم، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

۵-۳-۲-۵. موضوعات متفرقه

در بسیاری از ابیات، موضوعات مختلفی وجود دارد که به چند نمونه مهم اشاره می‌کنیم:

الف) بی‌اعتباری دنیا

چق و پوق تیلا، مال بار کردن بُو دوسی بکیم دنیا مردن

Čaḡö pūq tēlā mā ā bār kerdena/bū dūsī bekēm dōnyā merdena

برگردان: سر و صدای برخورد میخ‌های چوبی سیاه‌چادر به گوش می‌رسد. هنگام کوچ ایل فرا رسیده است. بیا تا (کدورت‌ها را کنار بگذاریم) دوست باشیم؛ زیرا مرگ در کمین است (آزادبخت، ۱۳۸۷: ۴۶).

در این بیت علاوه بر کوچ ایل، بر تحکیم روابط دوستانه و حقیقت مرگ و بی‌اعتباری دنیا اشاره شده است.

ب) خانواده (ارزش زن خوب)

ژیر سَریت نی بو، بَرگت پلاس بو ژ مال دنیا هر ژنت خاص بو

Žēr sarīt neē bū barget pelās bū / ža māle dōnyā har žanet xās bū

برگردان: اگر چه بالش زیر سرت از جنس نی و لباس تنت از سیاه چادر زمخت باشد، مهم نیست؛ فقط از مال دنیا، همسری خوب داشته باشی (همان، ۵۴).

ج) اهمیت فرزند پسر نسبت به دختر

شومونگی خاصه و شرط خوشت بو سوزه گر و کول و ترکشت بو

šö moŋj xāsa va šart xwašet bū / sōzē kwř va kūl va tarkašet bū

برگردان: شب‌های مهتابی خوب است به شرطی که خوش باشی و سبزه‌رویی که پسر بر دوش دارد، بر ترک اسب سوار باشد (در کنارت باشد) (همان، ۱۲۷).

د) عزاداری

کُل ایل پوشانَه، برگی اِ داوار عزیزِ براکَم، نِمای و شکار
koľ ěš pūšyāna bargē eē dāwār/azīz berākam nemāy va šekār

برگردان: همه افراد ایل با قطعه‌ای از سیاه‌چادر (داوار) به نشانه عزاء، برای برادر عزیزم که دیگر نمی‌تواند به شکار بیاید، سیاه پوشیده‌اند. این بیت علاوه بر رسم عزاداری در میان عشایر، به غم سنگین مرگ برادر و نیز به موضوع شکار پرداخته است.

در گذشته در میان ایل‌های لرستان و برخی استان‌های همجوار، هنگام درگذشت فردی، به نشانه عزاء قطعه‌ای از سیاه‌چادر را که از موی بز بافته می‌شود، به گردن می‌آویختند. این عمل یک رسم بود که امروزه تقریباً از بین رفته است (همان، ۱۴۹).

ه) امور سیاسی

یه لاشه کیه، و بان ای راخه کُشتنی آزاد، شوئینی قاچاخه
Ya ľāša kēya va bān ? ē rāxa/ kwštenē āzād šūinē qāčāxa

برگردان: این جنازه از کیست که بر روی این سنگلاخ قرار دارد؟ کشتنش آزاد بوده (قصاص و دیه ندارد). شیون، مویه و پرسه بر آن ممنوع است (احتمالاً به شخصیت‌های سیاسی که در گذشته اعدام شده‌اند، اشاره دارد) (همان، ۱۸۰).

۶. نتیجه

چل سرو یا چهل‌سرود جلوه‌ای از ادبیات شفاهی و از فال‌های متداول مردم لرستان است که شامل تک‌بیت‌هایی ساده و جذاب با گویش لکی است و وجوه گوناگون زندگی ایلی و عشایری و روستایی را به ما نشان می‌دهد.

در این پژوهش، زیبایی‌شناسی پانصد تکبیت چهل‌سروده‌ها، در دو زمینه «روساخت: آواها، واژگان، موسیقی و صور خیال» و «ژرف‌ساخت: عاطفه، اندیشه و معنی» بررسی شد. در بخش روساخت، کاربرد صامت‌ها (به‌ویژه «م، ن» با فراوانی ۳۲,۶ درصد) و مصوت‌ها (به‌خصوص «مصوت‌های کوتاه» با فراوانی ۶۷,۲ درصد) در بیشتر ابیات، سرعت و حرکت و هیجان توأم با آواز و موسیقی را می‌آفریند که گاه با آرامش و وقار همراه است و گاه نیز سر و صدا و خشونت و درشتی و سختی را به ذهن القا می‌کند.

«واج‌ها»ی مختلف و «واژگان» و ترکیب ساده آن‌ها و هم‌نشینی کلمات در تداعی معنی نقشی مؤثر دارند.

از نظر زیبایی‌موسیقایی، موسیقی بیرونی (وزن)، وزن ابیات را می‌توان با گوش «فع‌لن فعولن، فع‌لن فعولن» به حساب آورد. هر چند در این وزن (هجایی) اگر حرفی یا حروفی در ارکان اضافه بیاید، اشکال ندارد. با توجه به مضمون، ابیات ریتمی ملایم و سنگین و گاهی تند و خشن دارند. از نظر موسیقی کناری (قافیه و ردیف): اساس قافیه بر نزدیکی تلفظ حروف است، نه بر یکسان بودن حرف روی و در پاره‌ای از ابیات ردیف‌های ساده دیده می‌شود. تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها (واج‌آرایی) با فراوانی ۸۳ درصد و واژه‌آرایی با فراوانی ۲۴,۶ درصد در آفرینش موسیقی درونی قابل توجه است و البته آرایه جناس نیز مکمل این نقش است. از نظر موسیقی معنوی، آرایه تناسب با فراوانی ۶۷,۲ درصد بین واژگان ابیات بیشترین بسامد را دارد و سپس آرایه‌های حسن تعلیل ۳۱,۲ درصد، اغراق ۱۰,۸ درصد، تضاد ۱۰ درصد، بیشترین نقش را در آفرینش زیبایی معنوی دارند. از نظر صور خیال، آرایه‌های کنایه با فراوانی ۲۸,۸ درصد، تشبیه ۲۳,۲ درصد، استعاره ۱۳ درصد و مجاز ۳,۴ درصد به ترتیب در خیال‌انگیزی تصاویر، مهم‌ترین نقش را دارند.

در بخش ژرف‌ساخت: از نظر عاطفی، احساسات و عواطف مختلف، اعم از شادی، غم، خشم و هیجان و... ناشی از اندیشه‌ها و مضمون خوب و بد و میانه فال‌ها، باعث گزینش ابیاتی عامیانه با موضوعات متفاوت شده است که از نظر معنی، به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: «عشق و دوستی ۵۳,۴ درصد، منابع طبیعی مانند کوه و درخت و... ۳۹,۸ درصد، ملزومات زندگی عشایری و روستایی مانند: کشاورزی و دام‌پروری،

کوچ‌نشین، شکار و اسلحه در مجموع ۳۰٫۸ درصد، اعتقادات مذهبی ۱۲٫۸ درصد، نام مکان‌ها ۱۰٫۸ درصد و مشاغل شهری ۳٫۲ درصد که دلیلی بر وسعت ارتباطات اجتماعی این مردم است و «موضوعات متفرقه ۴۲٫۲ درصد شامل مواردی چون بی‌اعتباری دنیا، ارزش زن خوب در زندگی، اولویت فرزند پسر، امور سیاسی و... است. به‌طور کلی می‌توان گفت چهل سرودها کارکرد زیبایی‌شناختی دارند و در آن‌ها تصاویری وجود دارد که در عین زیبایی، حسی و ساده‌اند؛ زیرا نتیجه‌ی مستقیم تجربه‌ی سرایندگان آن‌هاست و تصویر را از هیچ شاعر دیگری نگرفته و در نتیجه احساس خود دست به آفرینش تصویر زده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Chell Sero

۲. لک‌ها: یکی از گروه‌های ایلی پراکنده در میان استان‌های لرستان، ایلام، کرمانشاه، همدان و کردستان هستند (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۶۱).

3. Samuel Taylor Coleridge

شاعر و منتقد انگلیسی (۱۷۷۲-۱۸۳۴م)

4. Alexander Pope

5. Marjorie Boulton: *The Anatomy of poetry*, 1970: p 58

منابع

- آزادبخت، جهان‌شاه (۱۳۸۷). *سرودهای ماندگار*. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۳). «خاستگاه، تاریخ و فرهنگ لک‌ها». *فرهنگ مردم ایران*. ش ۳۷. صص ۶۱-۸۲.
- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۸۳). *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*. تهران: سروش.
- اسدیان خرم‌آبادی، محمد و همکاران (۱۳۵۸). *باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام*. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- پرین، لارنس (۱۳۷۳). *درباره شعر*. ترجمه فاطمه راکعی. چ ۱. تهران: اطلاعات.
- چنگایی، عزت‌الله و محمد حنیف (۱۳۷۴). *فرهنگ قوم لر*. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسنی، کاووس (۱۳۹۱). *گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران*. چ ۳. تهران: ثالث.
- دیچز، دیوید (۱۳۷۳). *شیوه‌های نقد ادبی*. ترجمه محمدتقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی. تهران: علمی.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۷، شماره ۲۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۸

- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۶). *زبان و ادبیات عامه ایران*. چ ۲. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۶۸). *زمینه فرهنگ‌شناسی*. تهران: عطارد.
- روزبه، محمدرضا (۱۳۷۰). «عصر اندیشه در شعر». تربیت. ش ۶۰. صص ۴۶-۷۹.
- زیودار، علی (۱۳۷۶). «سروده‌های سرنوشت». شعر. ش ۲۱. صص ۹۶-۱۰۰.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۰). *موسیقی شعر*. چ ۳. تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۸۰). *ادوار شعر فارسی (از مشروطه تا سقوط سلطنت)*. چ ۱. تهران: سخن.
- صهباء، فروغ (۱۳۸۴). «مبانی زیبایی‌شناسی شعر». *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. د ۲۲. ش ۳(۴۴). صص ۹۰-۱۰۹.
- عسکری عالم، علیمردان (۱۳۸۹). *چل سرو و چیستان*. خرم‌آباد: افلاک.
- _____ (۱۳۸۲). *فهلویات یا (پهلویانه‌ها) تک بیت‌های کهن سور و سوگ به زبان لکی*. خرم‌آباد: افلاک.
- غریب، رز (۱۳۷۸). *نقد بر مبنای زیباشناسی*. ترجمه نجمه رجایی. چ ۱. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- غضنفری امرایی، اسفندیار (۱۳۶۴). *گلزار ادب لرستان*. خرم‌آباد: چاپخانه دانش.
- کمربشتی، عارف (۱۳۹۰). «وزن و قافیه در دوبیتی‌های مازندرانی». *مجموعه مقالات همایش ملی ادب محلی و محلی‌سرایان ایران زمین*. یاسوج: دانشگاه آزاد اسلامی. صص ۴۷۷-۴۸۵.
- ماهیار، عباس (۱۳۸۷). *عروض فارسی*. تهران: قطره.
- محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران (مجموعه مقالات درباره افسانه‌ها و آداب و رسوم مردم ایران)*. به کوشش حسن ذوالفقاری. چ ۲. تهران: چشمه.
- مرادخانی، صفیه و آمنه رستمی (۱۳۹۰). «تحلیل فال چهل سرو در گویش لکی کاکاوندی شهرستان هرسین». *همایش ملی بررسی سیر تحول ادبیات بومی لرستان (کله باد)*. نوع ارائه: پوستر. خرم‌آباد: معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی. د ۱.
- نجف‌زاده قبادی، امیدعلی (۱۳۹۱). *ادبیات عامه لکی*. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۵). *فرهنگ نام‌آوایی فارسی*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۶). «موسیقی کلمات در شعر فردوسی». *مجموعه مقالات کاغذ زر*. تهران: سخن. چ ۲. صص ۱۶۷-۲۱۲.

The aesthetic analysis of Chehel – Soroud

Masoumeh Arshad ¹ Farhad Tahmasebi^{2*} Ruqayeh Sadraei³

1. Ph.D. candidate in Persian language and literature –Azad university – science and research branch – Tehran – Iran.
2. Associate professor of Persian language and literature- Azad University – science and research branch – Tehran – Iran.
3. Assistant professor of Persian language and literature- Azad University – science and research branch – Tehran – Iran.

Received: 24/10/2018

Accepted: 12/02/2019

Abstract

Chehel-soroud is one of the most popular and current types of omen among Lorestan people which they perform collectively. In every presage, forty couplets are attributed to interpret the intended 40th couplet. In the present research and based on library resources, the aesthetic function of the 500 chehel-soroud couplets collected by the field method was analyzed in two parts of "Phones , Vocabulary, Musics and figures of speech " and the surface structure including Emotion, Thought and Meaning. The research findings showed that at surface structure of phones movement with music is sometimes created with serenity and sometimes with violence. The association of vocabulary plays a role in the association of emotions and the meaning of poetry. The association of vocabulary plays a role in the association of emotions and the meaning of poetry. In some parts of the verses, meter and rhyme are unacceptable, which is to some extent negligible. Internal music is due to figures like phonotactics , morphophonemics and pun. Spiritual musics in its turn is as a result of figures like Mora'at al nazir, Hossn-e- Ta'lil and hyperbole. Metonymy and assimilation play a key role in the creation of figures of speech. Emotionally, at deep structure level, good omens are accompanied by enthusiasm while sinister ones lead to despair. In terms of meaning and regarding the frequency , themes of love and friendship, natural resources such as mountains and trees, religious beliefs and interests such as hunting, breeding, agriculture etc. are evident in the couplets.

Keywords: Folk literature, aesthetics, Lorestan, omen, chehel –soroud

*Corresponding Author's E-mail: Farhad.tahmasbi@yahoo.com

